



دکتر فرخ لقار رئیس دانا  
متخصص تعلیم و تربیت (Ed.S)

# خلاق سازی

## محیط

### معلم و برنامه درسی یادگیری

#### اشاره

ادبیات مرتبط با ایجاد محیط‌های یادگیری خلاق، با بهره‌گیری از برنامه‌های درسی موجود، در سال‌های اخیر بسیار غنی شده است. در گذشته‌های نه چندان دور، تصور چنین بود که برنامه‌های درسی در اختیار معلمان، باید مو به مو و با نظمی خاص به اجرا درآید. اعتقاد بر این بود که اگر معلمان محیط یادگیری در کلاس درس را مطابق با بسته‌های برنامه‌های تعیین شده سازمان دهند، هدف‌های یادگیری خود به خود تحقق می‌یابد. امروزه عقیده بر این است که زمینه‌های متعدد علاقه‌ها، رغبت‌ها و انگیزه‌های دانش‌آموزان، نقش اساسی‌تری را در تنظیم و سازمان‌دهی محیط‌های یادگیری بر عهده دارند و آشنایی معلمان با شیوه‌ها و راهبردهای شناخت علاقه‌ها و انگیزه‌های دانش‌آموزان متفاوت در کلاس‌های درس، موفقیت آنان را در ایجاد محیط‌های یادگیری مناسب، مؤثر و خلاق دوچندان می‌کند. امروزه عهده‌داری تعلیم و تربیت نه تنها آگاهی کافی از فلسفه و هدف‌ها و مقاصد آموزش و یادگیری، بلکه آشنایی با مبانی روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و به ویژه روش شناختی آموزش را ایجاد می‌کند. نکته مهم و قابل توجه برای معلمان مسئول تعلیم و تربیت امروز این است که نه تنها باید مراقب آن باشند که برنامه درسی مشخص چگونه سروسامان می‌گیرد و آموزش داده می‌شود، بلکه بیش از آن باید دانش‌آموزان خود را با هدف شناخت آن‌ها مورد مشاهده و دقت قرار دهند و بر اساس مشاهدات و شناخت خود از آن‌ها محیط‌های یادگیری مناسب را سازمان دهند. در این مقاله راه و روش‌های سازمان‌دهی محیط خلاق یادگیری معرفی می‌شود.

تجربیات یادگیری و فعالیت‌های کلاسی متناسب با سطح رشد، هم نیازهای فیزیکی و هم نیازهای معنوی دانش‌آموزان را پوشش می‌دهد و آن‌ها را به امنیت روانی لازم برای یادگیری‌های بعدی سوق می‌دهد

#### کلیدواژه‌ها

برنامه درسی، عوامل تأثیرگذار محیطی بر خلاقیت، ویژگی‌های معلمان موفق در ایجاد محیط یادگیری خلاق، راهبردهای ایجاد محیط یادگیری خلاق.

#### محیط یادگیری خلاق

محیط یادگیری خلاق محیطی است که در درجه اول با سطح رشد هوش عمومی دانش‌آموز سازگار و در درجه دوم با علاقه‌ها،

نیازها و انگیزه‌های او به یادگیری دم‌ساز باشد. «تجربیات یادگیری و فعالیت‌های کلاسی متناسب با سطح رشد، هم نیازهای فیزیکی و هم نیازهای معنوی دانش‌آموزان را پوشش می‌دهد و آن‌ها را به امنیت روانی لازم برای یادگیری‌های





بعدی سوق می‌دهد.» [دُج، کولکر و هرمان ۲۰۰۲]. معلمان امروز، برای کسب موفقیت در ایفای نقش والای خویش، نه تنها به دانش و مهارت لازم برای آموزش دروس عمومی و تخصصی فناوری آموزشی نیاز دارند، بلکه باید به خوبی بر دانش و آگاهی‌های لازم در زمینه‌های شناخت مراحل رشد انسانی، شناخت نیازها و علاقه‌ها و انگیزه‌های

زیر برشمرد:

- آشنایی با نظریه‌های رشد و سطوح رشدی کودکان، نوجوانان و جوانان؛
  - آشنایی با نظریه‌های یادگیری و چگونگی شکل‌گیری مفاهیم در ذهن و چگونگی ساخت دانش و بهره‌گیری از آموخته‌ها در یادگیری نو؛
  - آشنایی با فلسفه و اپیدئولوژی حاکم بر نظام تعلیم و تربیت و آگاهی از هدف‌ها و مقاصد آموزشی در سطوح مورد نظر یاددهی-یادگیری؛
  - آشنایی با راه و روش‌های رشد هوش در دو جنبه عمومی و عاطفی هیجانی؛
  - آشنایی با راه و روش‌های برانگیختن انگیزه‌های یادگیری و توجه به علاقه‌ها و رغبت‌های گوناگون دانش‌آموزان؛
  - تسلط بر موضوع و محتوای مورد یاددهی و یادگیری و آشنایی با راه و روش‌های مناسب و متناسب آموزشی؛
  - آشنایی با طراحی آموزشی و نیز با سایر فناوری‌های مؤثر و مفید در آموزش، برای غنی‌سازی محیط یادگیری.
- به طور خلاصه و در مجموع می‌توان گفت، معلمان موفق در ایجاد محیط‌های یادگیری خلاق همواره:
۱. نقش خود را به عنوان رهبر فرایند یاددهی-یادگیری به خوبی می‌شناسند؛
  ۲. اطلاعات لازم برای شناخت محیط یادگیری خلاق را به دست می‌آورند و بر آن اساس، خود در خلق چنان محیطی می‌کوشند؛
  ۳. نسبت به آنچه دانش‌آموز، براساس برنامه درسی باید بداند، چه از نظر دانشی و چه از نظر مهارتی، تسلط می‌یابند؛

۴. فهم و درک خود را از چگونگی آموزشی دانش‌آموزان در مراحل متفاوت رشد افزایش می‌دهند و سبک‌های مناسب یاددهی در هر مرحله را می‌شناسند و به کار می‌گیرند؛

۵. نقش فرهنگ مدرسه، جامعه و به ویژه خانواده را در یادگیری و پرورش خلاقیت‌های ذهنی می‌شناسند و به آن توجه می‌کنند؛

۶. سبک مدیریتی و رهبری آموزشی خود را می‌شناسند و نسبت به اصلاح، تغییر یا گسترش آن انعطاف دارند.

نکته قابل توجه این است که معلم هم‌چون معماری است که برای برپا داشتن ساختاری عظیم، مفید و با روح، به طراحی نقشه اولیه دقیق و ظریفی نیاز دارد. طراحی این نقشه نیز به نوبه خود نیازمند توانایی بهره‌گیری از دانش، بینش، مهارت و انگیزه‌های اقدام به عمل است.

#### راهبردهای ایجاد محیط یادگیری خلاق

یافته‌های پژوهشی درباره عملکرد مغز به هنگام یادگیری و آنچه امروزه ما به عنوان معلم نسبت به چگونگی یادگیری دانش‌آموزان با استفاده از نتایج پژوهشی در زمینه‌های مغز و اعصاب و ارتباط کارکرد یا عملکرد مغز به هنگام یادگیری می‌دانیم، همه برای ایجاد محیط‌های خلاق یادگیری کمک کننده‌اند. دُج، کولکر و هرمان (۲۰۰۲)، راهبردهایی را برای معلمان تعیین کرده‌اند که از یافته‌ها و نتایج پژوهشی درباره چگونگی عملکرد مغز انسان به هنگام یادگیری برگرفته شده‌اند. آن‌ها در صفحه پنجم کتاب خود با عنوان «برنامه درسی خلاق» خاطر نشان کرده‌اند، اعمال آن راهبردها می‌تواند معلمان را در خلق محیط‌های خلاق یادگیری کمک کند.

معلم هم‌چون معماری است که برای برپا داشتن ساختاری عظیم، مفید و با روح، به طراحی نقشه اولیه دقیق و ظریفی نیاز دارد. طراحی این نقشه نیز به نوبه خود نیازمند توانایی بهره‌گیری از دانش، بینش، مهارت و انگیزه‌های اقدام به عمل است



یادگیری دانش‌آموزان و نیز شناخت راه و روش‌های برقراری ارتباط با دانش‌آموز و خانواده وی تسلط داشته و در برقراری ایجاد محیط‌های مناسب، مفید و مؤثر یادگیری مهارت پیدا کنند. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ایجاد محیط مناسب و زمینه‌ساز خلاقیت را می‌توان به شرح





**نقش اساسی معلم  
ایجاد محیطی است  
که در آن یادگیرنده  
بتواند از حداکثر  
ظرفیت موجود به  
حداکثر بهره‌برداری  
ممکن برسد**

این راهبردها عبارت‌اند از:

۱. مایه دانیم که یادگیری تحت تأثیر بهره‌گیری از سرشت و طبیعت فیزیکی و معنوی شخصی و محیط و شرایط و امکانات محیطی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، هم عامل وراثت و هم عامل محیط در چگونگی یادگیری و موضوع یادگیری نقش دارند. لذا بر این اساس، به این نکته توجه می‌کنیم که «بهره هوشی» چنان‌که زمانی تصور می‌شد، ثابت نیست. تمام دانش‌آموزان با هر درجه هوشی، می‌توانند تحت تأثیر محیط مناسب و کسب تجربیات مفید رشد داشته باشند و به بهره هوشی بالاتری دست یابند. ایجاد محیط یادگیری خلاق که مسئولیت اساسی آن برعهده معلم کلاس است راهی مناسب و عملی برای افزایش بهره هوشی دانش‌آموزان است.

۲. براساس یادگیری و کسب تجارب مرتبط با آن، مغز آدمی رشد می‌یابد. این رشد به معنای فقط بزرگ‌تر شدن فیزیکی آن نیست، بلکه به این معناست که وقتی مفهوم یا مهارتی آموخته می‌شود، ارتباط‌های مغزی به نام سیناپس بیشتر صورت می‌گیرد و مغز چه از نظر فیزیکی بزرگ و چه از نظر ساختار محتوایی غنی می‌شود. به عبارت دیگر، ذهن آدمی به سبب کارکرد مغز رشد می‌یابد. بر این اساس، معلم می‌تواند محیط‌های یادگیری فعالی را تدارک ببیند که بتوانند تحریکات لازم برای برقراری بیشتر سیناپس‌های مغزی را ایجاد کند و بدین ترتیب بر رشد توسعه ذهن اثر بگذارد و موجبات خلاقیت را فراهم کند.

۳. یادآوری یا بازخوانی اندیشه‌ها تا هنگامی میسر است که به اندازه کافی آموخته‌های قبلی تقویت شود. برای آن‌که

ارتباط‌های ذهنی در موضوعات خاص مورد یادگیری پیوسته برقرار شوند، باید به طور مداوم و مستمر مورد استفاده و یادآوری قرار گیرند. آن بخش از محتویات ذهنی که برای مدتی طولانی مورد استفاده قرار نگیرند، کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شوند؛ براین اساس، محیط خلاق یادگیری محیطی است که فرصت‌های تمرین و تکرار مهارت‌های آموخته شده را پیوسته در اختیار دانش‌آموز قرار دهد. لذا در محیط‌های یادگیری خلاق گذر فوری از یک موضوع به موضوعی دیگر، بدون ایجاد فرصت تمرین و یادآوری، ممنوع است. معلمان مسئول برای ایجاد محیط‌های خلاق یادگیری، باید اجازه دهند دانش‌آموزان روی موضوعات خاص یادگیری بارها و بارها فکر کنند، مسائل مرتبط با یک موضوع را با دقت بکاوند، زوایا و ابعاد متفاوت و گوناگون آن را کشف و تحلیل، و روابط علت و معلولی و نسبتی را دریابند تا در افزودن دانش نو به اطلاعات موجود، ترغیب شوند.

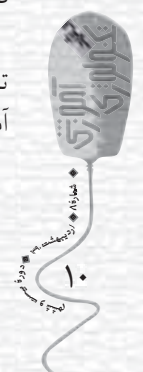
۴. هیجان‌ات و عواطف نقش مهمی در یادگیری دارند. دانش‌آموزان برای یادگیری به محیطی امن و اطمینان‌بخش نیاز دارند. اضطراب، وسواس و تشویش، منهدم‌کننده سلول‌های مغزی‌اند و یادگیری را با مشکل مواجه می‌کنند. بر این اساس، به این نکته توجه می‌کنیم که برقراری ارتباط درست با اعضای خانواده، با معلم و هم‌کلاسی‌ها و همه افرادی که در محیط اجتماعی او قرار دارند به واسطه نقش حمایت‌کننده و ایمن‌سازی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۵. تغذیه، سلامتی و حرکات فیزیکی و ورزشی در یادگیری‌ها تأثیر می‌گذارند. حرکات بدنی موجب تحریکات

سلول‌های مغزی می‌شوند. تغذیه درست و کافی، خواب کافی و حرکات نرمشی و ورزشی مناسب، رشد مغزی را حمایت می‌کنند. براین اساس، توجه به این نکته ضروری است که حرکات فیزیکی و بازی‌های نیازمند تمرینات جسمانی، برای سلامت بدن مفیدند. معلمان مسئول و علاقه‌مند به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان، برای انجام این‌گونه حرکات و نیز برای تغذیه میان وعده‌ای دانش‌آموزان، شرایط لازم را تدارک می‌بینند.

۶. شناسایی دوره‌های حساس یادگیری، از دیگر یافته‌های پژوهشی امروز است؛ یافته‌ها نشان داده است که مغز انسان در دوره‌هایی خاص از مراحل زندگی و رشد، دارای قابلیت یادگیری خاص است. برای مثال، دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، دارای انگیزه‌های قوی‌تری برای یادگیری‌اند، بیشتر از سایر دوره‌ها پذیرای دستورالعمل‌ها هستند و به آسانی آداب و عادات را کسب می‌کنند. هم‌چنین در این دوره، دانش‌آموزان مهارت‌های زبانی و موسیقی را بهتر کسب می‌کنند. براین اساس، معلمان مسئول در این دوره‌ها، می‌کوشند که امکانات و شرایط مناسب محیطی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند و آن‌ها را در معرض یادگیری‌های زبانی و موسیقی قرار دهند. چه بسیار استعدادها که در این دوره قابل کشف و نشو و رشد است و این کشف و رشد حاصل نمی‌شود، مگر با مهیا بودن محیط یادگیری مناسب.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، تمام یافته‌های پژوهشی مرتبط با عملکرد مغز به هنگام یادگیری، امروزه، یافته‌های قبلی دانشمندان حوزه تعلیم و تربیت چون پیاز، مازلو، اریکسون، ویگوتسکی و دیگران را پشتیبانی





و تأیید کرده‌اند. همه این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برقراری ارتباط‌های سیناپسی در مغز که موجبات یادگیری بیشتر و غنی‌تر را فراهم می‌کنند، هنگامی میسر و ممکن می‌شود که یادگیرنده از نظر فیزیکی سالم، از نظر روانی، ایمن و بری از ترس و اضطراب، و از نظر اجتماعی قادر به برقراری ارتباط درست با دیگران باشد. نقش اساسی معلم ایجاد محیطی است که در آن یادگیرنده بتواند از حداکثر ظرفیت موجود به حداکثر بهره‌برداری ممکن برسد؛ چنان محیطی که زمینه‌ساز مثبت یادگیری و خلاقیت باشد. چنین معلمی باید صبور و با انگیزه باشد. برای طراحی محیط یادگیری وقت کافی صرف کند (وقت مطالعه، تمرین، برنامه‌ریزی و اجرا)، عوامل حمایتی را جست‌وجو و پشتیبانی آن‌ها را تأمین کند، بر اعمال و رفتار خود کنترل داشته

باشد و در کسب راهبردهای گوناگون مؤثر بر یادگیری خلاق دانش‌آموزان، بیش از پیش تلاش کند. این گفته به این معنا نیست که معلم باید یامی تواند محیط آموزش و یادگیری را تغییر اساسی دهد. همه خوب می‌دانیم که انجام تغییر کلی در محیط یادگیری، کاری بسیار پیچیده و از عهده معلم کلاس به تنهایی خارج است. اما آنچه از معلمان متعهد و مسئول انتظار می‌رود این است که تا حد توان و شرایط، در دگرگونی و تغییر محیط نامناسب موجود به محیط امن و برانگیزاننده یادگیری بکوشند. به عبارت دیگر، همان گونه که وسیله شکوفایی استعداد بالقوه دانش‌آموزان را فراهم می‌کنند، وسیله دگرگونی محیط‌های نازای موجود به محیط‌های زایای ظرفیت‌ساز را نیز تدارک می‌بینند. آشنایی با نکته‌هایی در ارتباط با نیازهای

روانی دانش‌آموزان، کمکی در این زمینه است. لازم است دانش‌آموزان:

- خود را بشناسند و به درک درستی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها خود برسند؟
- کنجکاوی کنند، مسئولیت بپذیرند، پاسخگو باشند و راه و روش‌های نو را جست‌وجو کنند؟
- مشارکت‌جو و جامعه‌پذیر باشند، قوانین و مقررات را بشناسند و با درک درست به آن، عمل کنند؟
- احساسات، هیجانات و عواطف خود را در موقعیت‌های گوناگون به صورت متفاوت نشان دهند؟
- تمرکز داشته باشند و مرتب از این شاخه به آن شاخه پرانده نشوند؟
- آموخته‌ها، رفتارها و تجربه‌های خویشان مورد حمایت و تقویت قرار گیرد.

پی نوشت

1. Doge, Cloker & Heroman

منابع

1. Doge, Diane; Cloker, Laura; and Heroman, Cate, The Creative Curriclum Fourth ed. 2002, Teaching Strategies, Inc. U.S.A.



ترجمه: الهه قربانی

پیتر هشت‌سال و نیمش بود و به مدرسه‌ای در نزدیکی خانه‌اش می‌رفت. او همیشه از مدرسه به موقع به خانه برمی‌گشت، اما یک روز، دیر به خانه آمد. مادرش در آشپزخانه بود و وقتی پیتر را دید، از او پرسید «پیتر چرا امروز دیر آمدی؟»

پیتر گفت: «معلم عصبانی بود و بعد از درس مرا پیش مدیر فرستاد.»

مادرش گفت: «پیش مدیر؟ چرا؟»

پیتر گفت: «برای این که او یک سؤال پرسید و هیچ‌کس به غیر از من به سؤال او جواب نداد!»

مادرش در حالی که عصبانی شده بود، از پیتر پرسید: «در این صورت، چرا تو را پیش مدیر فرستاد؟ چرا بقیه بچه‌های احمق را نفرستاد؟»

پیتر گفت: «برای این که سؤالش این بود: «چه کسی روی صندلی من چسب ریخته است؟»



## پسرک بازیگوش

http://kershad.parsiblog.com/594961.htm

منبع